

جلسه ۲۴۶

صورت مشروح

مجلس روز سه شنبه سیزدهم
بهمن ماه سنه يك هزار و سيصد
و چهار مطابق هجدهم
شهر رجب سنه يك هزار و
سيصد و چهل و چهار ۱۲۴۴
مجلس دو ساعت قبل از ظهر
بریاست آقای تدین تشکیل
گردید

(صورت مجلس يكشنبه یازدهم بهمن
ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت
نمودند)

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت
مجلس عرض دارم .

رئیس - آقای رضوی

رضوی - قبل از دستور

رئیس - آقای دکتر آقایان

دکتر آقایان - بنده در دستور عرض

دارم .

رئیس - آقای حائریزاده

حائری زاده - بنده هم در دستور

عرض دارم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - در دستور عرض دارم

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - عرضی ندارم

رئیس - آقای افسر

محمد هاشم میرزا افسر - بنده راجع به

دستور پیشنهادی تقدیم کرده‌ام

رئیس - آقای رهنما

(اجازه)

رهنما - بنده هم در دستور عرض

دارم .

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی

نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم ؟

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - آقای دکتر آقایان

(اجازه)

دکتر آقایان - بنده خواستم نظر

آقایان را جلب کنم که حتی الامکان باید

کوشش کرد که لوایح در این آخر مجلس

بگذرد .

زیرا لوایح مهمی از قبیل لایحه دیون

دولتی و الغاء باج راهها و لایحه تجدید نظر

در قانون استخدام و امثال آنها هست که

باید بگذرد و تصور میکنم تمام آقایان هم

فکرشان این است که این لوایح بگذرد و

با این ترتیب تصور نمیکنم ما موفق به

گذراندن تمام آنها بشویم

از این جهت بنده خواستم پیشنهاد

کنیم که یکی از این لوایح امروز دستور شود و بگذرد و فردا عصر یک جلسه مخصوصی برای این کار تشکیل شود و لوایحی که اهمیتش زیاد تر است برای دستور معین کنیم که بتوانیم زودتر آنها را بگذرانیم و فعلا تقاضای یک لایحه دیون دولتی جزء دستور امروز شود

رئیس - جزه دستور هست آقای سائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده کتاب هم عرض کرده ام که لایحه خط آهن از کمیسیون فوائد عامه راپورتش آمده است. اگر آنرا در درجه درجه اول دستور قرار دهیم خیلی مناسب است.

رئیس - راجع به لایحه خط آهن کمیسیون خارج هنوز راپورتش را نداده است ممکن است کمیسیون خارج زودتر تشکیل شود و راپورتش را که داد جزه دستور میشود.

آقای عراقی (اجازه)

عراقی - بنده پیشنهادی هم تقدیم کرده ام که خبر کمیسیون فوائد عامه که یک ماده هم بیشتر نیست راجع بواگذاری حق تقدم امتیاز چراغ برق اصفهان به میرزا فضل الله خان دهش جزء اول دستور شود یک رأی هم بیشتر ندارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم آقایان با اینکه خیلی شوق دارند که لوایح زودتر بگذرد در صورتیکه دستور قبلا معین شده است خوب است همان دستور تعقیب شود.

بنده معتمد اول لایحه وزارت عدلیه و بعد از آن چیزی را که آقای عراقی راجع به چراغ برق اصفهان فرمودند تصویب کنیم و به همین ترتیب پیش برویم

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای عراقی و دولت آبادی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به حق تقدم امتیاز چراغ برق قرائت می شود.

(شرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - تا وقتی که آقای میرزا فضل الله خان دهش روشنائی شهر اصفهان را بوسیله چراغ برق با شرایطی که مشارالیه از حیث استعداد کارخانه و تاریخ تأسیس آن و مدت روشنائی و قیمت قوه الکتریکی و شرایط فنی کارخانه و سیم کشی و نصب پایه ها و فراهم کردن لوازم چراغ و غیره تقبل نموده تصدی نماید در موقع اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در اصفهان در تساوی شرایط حق تقدم با میرزا فضل الله خان

مزبور خواهد بود.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده یک تبصره دارم و آن اینست که این حق را که مجلس و دولت بواسطه خدمات میرزا فضل الله خان دهش با او میدهد قابل انتقال نیست.

حالا اگر آقای مغیر قبول میکنند که هیچ والا پیشنهاد بکنم که این حق قابل انتقال نیست.

رهنما مغیر کمیسیون - البته آقای آقا سید یعقوب نماینده محترم متوجه اساس این قضیه هستند.

این حق تقدم را که مجلس باین شخص داده است سرش این شخص سائین هائی که دارد بکار می اندازد.

اگر مقصود ایشان انتقال بخارج است مانعی ندارد و بنده هم می توانم قبول میکنم که نمی تواند انتقال بخارج بدهد.

ولی راجع به داخله ممکن است بورت خودش انتقال پیدا کند یا باتباع داخله انتقال بدهد.

رئیس - آقای همدوی (اجازه)

همدوی - بنده تصور میکنم این حق تقدم تنها نیست.

امتیازات وادبی است. مگر اینکه مدتی برای این حق تقدم معین شود زیرا اینچنان نوشته شده است در موقع اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در اصفهان در صورت تساوی شرایط حق تقدم با میرزا فضل الله خان مزبور خواهد بود.

ملاحظه فرمائید یک کسی با یک شرایطی این امتیاز را بگیرد و مدتی با وزارت فوائد عامه تبادل نظر کرد و آمد به مجلس. مجلس هم پذیرفت آنوقت تازه میرزا فضل الله خان می گوید خود من با این شرایط قبول می کنم و این هیچ نمی شود.

بعقیده بنده اگر ماه سال ۱۰ سال برای این شخص حق تقدم قائل شویم آنوقت می شود گفت این حق تقدم است و الا این يك سابقه خواهد شد که هر کس يك حق تقدمی پیشنهاد می کند و از مجلس می گیرد و راحت می نشیند و می گوید مطابق تصویب مجلس این حق باین است و هر وقت هم کسی آمد و پیشنهادی داد و مدتی زحمت کشید و از مجلس هم گذشت آنوقت آنکه حق تقدم دارد می آید می گوید من خود قبول میکنم در این صورت مراجع واداشته است باینکه بیایم مدتی بخود زحمت بدهم و بالاخره نتیجه نداشته باشد؟

این است که بنده پیشنهاد میکنم که ۱۰ سال برای این حق تقدم مدت معین شود.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - گمان می کنم آقای رئیس التجار خیلی زیاد وقت نفرمودند این یک چیز مهمی نیست کلیه افراد مردم مجاز هستند بطور تجارت و معاملات عایدی نه بطور انحصار کارخانجات بملکات وارد کنند و هیچ منعی برای هیچ یک از افراد مردم نیست.

در اینجا هم هیچ اشکالی نیست. این آدم در تحت همین عنوان می خواهد کارخانجاتی که وارد کرده است بکار بیندازد و رعایت این خدمات این قبیل اشخاص هم برای بهبودی احوال مملکت و اوضاع اقتصادی لازم است.

باین جهت بیاس خدمات او این حق تقدم را مجلس با او میدهد. اگر یک کسی دیگر بیداند که پیشنهادی وزارت فوائد داد که من امتیاز کارخانه چراغ برق را با فلان شرایط می خواهم شخص که حق تقدم دارد مراجعه می کند و گوید يك همچو پیشنهادی آمده است با این شرایط آیا قبول میکنی یا نه؟

اگر قبول کرد با او می دهند و الا بان کسیکه پیشنهاد داده است میدهد. من نمی دانم چه اشکالی دارد؟ که آقای رئیس التجار مخالفت می کنند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم در سطر پنجم ماده واحده قبل از اصفهان و در آخر ماده فقط نوشته شده است (اصفهان) و اگر شهر جلو آن نباشد تمام حوزه اصفهان از قبیل اردستان - نجف آباد و این هارا شامل می شود.

اگر مقصود اینست که در تمام اصفهان حتی هر دهه و قصبه هم حق تقدم چراغش را باین شخص واگذار شود آن امر درست علیجده و اگر مقصود شهر اصفهان است باید معلوم شود.

مغیر - در قسمت اظهارات آقای یاسائی ممکن است در آخر ماده هم قبل از اصفهان کلمه شهر اضافه شود

رئیس - پیشنهاد آقای همدوی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم برای حق تقدم ده سال مدت معین شود.

همدوی - بنده از این خبر کمیسیون درست چیزی ملتفت نمیشوم.

اگر مقصود آنطور است که آقای کازرونی فرمودند که وقتی یک نفر پیش نهادی وزارت فوائد عامه داد و وزارت

ممکن است بعد از سه چهار سال دیگر يك کسی بیايد و پیشنهادی با شرایطی بهتر بدهد و باین ترتیب کار روشنائی اصفهان عقب می افتد.

فعلا این حق را به میرزا فضل الله خان میدهم هر وقت يك کسی پیشنهادی بدهد و میرزا فضل الله خان قبول نکرد با او میدهند. این است که بنده موافقم عین ماده بگذرد.

مغیر - این مسئله در کمیسیون هم مذاکره شد و نظر کمیسیون همان بود که آقای شبروانی توضیح دادند و چون نظیر همین پیشنهاد آقای مهدوی در کمیسیون هم شد و کمیسیون رد کرد این است که بنده نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای مهدوی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (ممدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای طهرانی (اینطور خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم که قبل از (در صورت تساوی شرایط) (در دفعه اولی) اضافه شود.

طهرانی - این عبارتی که اینجا است بنظر بنده اگر آقایان درست دقت فرمایند ملتفت میشوند.

اینجا نوشته است که پس از اینکه این مقدمات تهیه شد در موقع اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در اصفهان در صورت تساوی شرایط حق تقدم با میرزا فضل الله خان مزبور خواهد بود.

موقع اعطای امتیاز انحصاری حالا است یا اینکه سی سال دیگر هم که دولت بخواهد امتیاز بدهد باز میرزا فضل الله خان مقدم است؟ شصت سال دیگر هم همینطور؟ البته باید معین شود که تا چهل سال یا پنجاه سال این حق با میرزا فضل الله خان است. که پس از آنکه خانه پیدا کرد این حق از او سلب شود و الا الی الابد حق تقدم برای میرزا فضل الله خان باشد. خوب نیست و از این عبارت اینطور استفاده میشود در صورتیکه مقصود این نیست.

مغیر - بنده باز بنظر مجلس واگذار میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - پیشنهاد آقای شبروانی قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه شهر اضافه شود و حومه.

شبروانی - اگر ماده بحال خود باقی بود بنده عرضی نداشتم ولی چون پیشنهاد آقای یاسائی را آقای مغیر کمیسیون قبول کردند لذا باید بنده توضیح عرض کنم که اول از قراری که متخصص آلمانی برای خود بنده گفته این کارخانه متجاوز در سی هزار چراغ خواهد داد و بعد هم ممکن است زیادتر چراغ بدهد و چون شهر اصفهان فعلا این قدر ها احتیاج ندارد.

در صورتیکه مثلا جلغا بیرون شهر اصفهان است و جزه شهر اصفهان محسوب نمی شود و شاید آنجا زودتر نقطه باشد که استعداد داشتن چراغ برق را داشته باشد اگر کلمه حومه اضافه نشود آنجا را محروم خواهیم کرد و برای اینکه نظریات آقای یاسائی هم نماند باشد که بنقاط دور دست نرسد.

از این جهت بنده کلمه حومه را پیشنهاد کردم و يك وقت هم ظاهر آن در همین مجلس معین شده که تا يك فرسخی شهر جزه حومه است و چون اغلب دماهای پر جمعیت اصفهان هم متصل بشهر است و برای اینکه آنها هم استفاده از این چراغ کرده باشند از این جهت بنده حومه را پیشنهاد کردم و از آقای مغیر تقاضا دارم قبول فرمایند تا رفع معذور شود.

مغیر - در این قسمتی که آقای یاسائی اظهار و پیشنهاد کردند و بنده قبول کردم چون بعضی چیزهاست که اگر قبول نشود اسباب اشکال و زحمت برای خود صاحب امتیاز فراهم خواهد شد. و این هم از آن جمله بود.

زیرا کارخانه لیکه آقا میرزا فضل الله خان در اصفهان راه می اندازد شاید اینقدر ها استعداد نداشته باشد که بتواند شهر و تمام اطراف اصفهان را چراغ بدهد و مثل کارخانجات شهر بران کار کند.

اینکه آقای شبروانی فرمودند جلغا جزه اصفهان نیست بنده خیال میکنم جلغا جزه شهر اصفهان است.

شبروانی - خیر نیست بیرون شهر است.

مغیر - خوب اگر نیست بنده قبول می کنم.

رئیس - پس در دو جا بعد از کلمه شهر لفظ حومه اضافه می شود - پیشنهاد آقای افسر (باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم - اینطور نوشته شود در موقعی که پیشنهادات وزارت فوائد عامه داده می شود اگر پیشنهادی از ایشان رسیده باشد با تساوی مربوط حق تقدم با ایشان خواهد بود.

رئیس - آقای افسر (اجازه)

کازرونی - بنده اصلا تصور نمی کردم که در مورد این ماده که يك امر عادی است با وقت کمی که ما داریم اینقدر مذاکره و صحبت بشود.

کشیده اند و باید يك حق تقدمی بایشان داده شود.

چون يك ننگه در اینجا مطرح شد که اگر جواب داده نشود برای بعدها سابقه خواهد - خوب نیست.

عرض می کنم وزارت فوائد عامه متجاوز از ده سال است که حق تقدم را اینطور در اجازه ها و امثال ذلك تعبیر کرده و گفته معنی تقدم این است که مثلا در موقعی که مدت اجازه تمام میشود اگر پیشنهادی رسید که شروطش با پیشنهاد خود صاحب امتیاز یا يك کسی که يك معدنی در اجازه او بوده مساوی بود در صورت تساوی شروط آن شخص تقدم دارد.

یعنی اینطور معمول است که اگر پیشنهاداتی رسید به آن شخص که معدن در اجازه اوست اطلاع میدهند که پیشنهاداتی رسیده اگر توهم پیشنهادی داری بفرست آنوقت پیشنهادات را باز می کنند و ملاحظه می کنند در صورتی که هر دو مساوی شود آنوقت حق تقدم را برای شخصی که در اجازه او بوده قابل میشوند.

حالا اگر میخواهد در این مورد هم اینطور باشد که بنده عرضی ندارم ولی باید يك ترتیبی بشود که در آتیه اسباب زحمت برای دولت نشود زیرا ممکن است بعد از این وقتی کسی پیش نهادی داد و آخرین مطالبش را گفت آنوقت صاحب امتیاز تازه بگوید مال خودم و این باعث زحمت میشود.

زیرا يك شخص مدتی از کارش بیگار میشود و از ولایات میاید و چند ماه معطل میشود با اسباب گله گذاری شریک ملکش میشود و بالاخره بواسطه حق تقدم در دست همان شخص اولی باقی خواهد ماند حالا اگر میخواهد يك انعامی باین شخص که زحمت کشیده و ماشین آلات و کارخانه وارد کرده اعطا کنید آن امر دیگری است.

و الا اینکه هر کس که حق تقدم دارد در خانه اش بنشیند و هر کس پیش نهاد داد آنوقت دست آخر او بگوید من خودم اینطور قبول دارم هیچکس بخيال نمی افتد که برود و چنین کاری بکند و اسباب زحمت است پس خوب است در این مورد بطور اختصاص این حق تقدم را قائل شويد و الا اگر این طور باشد سالی صد هزار تومان بدولت ضرر خواهد خورد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

حائری زاده - ما ها گاهی جنبه حسن ظن مان بقدری غلبه میکند که اصل را زیر پا میکشیم!

همیشه در مجلس مذاکره میکنیم که

این قوانین بی مدت که در عهد عتیق داده شده اینها را باید نافذ کرد .
 مدرس - آتهم غلط است ، یعنی چه ؟
 (صدای زنک رئیس)
 حاضر زاده - بنده طرفدار این غلط هستم و عقیده ام این است که قوانین بلا مدت باید نافذ شود بهر حال این شخص میرزا فضل خان رامی شناسم که يك آدم خوبی است و از شخص او هم نگرانی ندارم ولی آقایان باید بدانند که وقتیکه يك حق تقدمی بیک نفر داده شود مدت هم برای او همین شد و او مشغول کار خودش شد و کارخانه ای که برای بارچه بانای آورده و بفرمایش آقای شروانی سی هزار چراغ هم داد و شهر اصفهان را روشن کرد و بلك عایمانی هم برد .
 آیا هیچ آدم دیوانه پیدا می شود که سرمایه شخص خودش را خرج کند و با من رقابت کند و پس از آنکه مواد و شروطش را ببیند با اینها رقابت کند صاحب کارخانه هستم و از بارچه بانای هم فایده خودم را می گیرم و خرجی هم ندارم بگویم خودم قبول می کنم ؟
 اگر اینطور باشد هیچکس رقابت نخواهد کرد ولی چون این شخص آدم خوبی است حالا که باید انعامی باو داده شود .
 پس خوب است بیست سال مدت برایش قرار دهیم یا فرضاً مادام الحیات باشد و این در واقع بمنزله انعامی است که در مقابل زحمتی که کشیده و ماشین آلانیکه وارد کرده است باور داده میشود .
 ولی اگر بنا شود برایش هیچ مدتی فائز نشویم و بی مدت باشد يك انحصار ابدی به آقا و کسانی که از دست او می گیرند داده ایم .
 این خوب نیست فرض کنید ماشین این آقا یکوقت خراب شد و کار نکرد آنوقت هیچ کسی هم که نمی تواند با او رقابت کند و اسباب زحمت خواهد شد از این جهت بنده بیست سال مدت این حق تقدم را پیش نهاد کردم دیگر بسته بنظر آقایانست .
 مغیر - بفرمائید پیشنهاد يك مرتبه دیگر قرائت شود
 (مجدداً شرح سابق قرائت شد)
 مغیر - بنده این پیشنهاد را قبول می کنم .
 رئیس - پیش نهاد آقای آقاسید یعقوب مغیر - راجع به پیشنهاد آقای افسر بالاخره اینطور اصلاح کردم که در توی ماده در سطر دوم ماده دوم موقع اعطای امتیاز اینطور نوشته شود :
 مادام که امتیاز و انحصاری بکسی داده نشده است همه کس آزاد است و می-

شرائط - آنوقت نظر آقای افسر هم تأمین می شود
 رئیس - (خطاب به آقای افسر) همین طور موافقت می فرمائید .
 افسر - بلی
 رئیس - پیشنهاد آقا سید یعقوب بعنوان تبصره است و قرائت می شود .
 (شرح ذیل خوانده شد)
 تبصره ذیل را پیش نهاد می-کنم حق تقدم قابل انتقال به خارج نخواهد بود .
 آقاسید یعقوب - بنده اجمالا اشاره کردم و آقای رهنما هم فرمودند که انتقال به خارج ممنوع و موجب ابطال این امتیاز خواهد بود و چون ایشان قبول کردند بنده دیگر بیش از این عرض نمیکنم و مطالب هم واضحست
 مغیر - قبول می کنم .
 رئیس - تبصره ایشان هم قبول شد .
 پیشنهاد آقای تهرانی
 تهرانی - چون پیش نهاد آقای حاضر زاده نظر بنده را تأمین کرد مسترد میدارم
 رئیس - پیشنهاد آقای مهل (اینطور خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم ماده واحده بترتیب ذیل تنظیم شود
 ماده واحده - در موقع اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در اصفهان در صورت تساوی شرایط حق تقدم بامیرزا فضل الله خان دهش خواهد بود
 رئیس - پیشنهادی هم از آقای شریعت زاده رسیده به همین مضمون است قرائت می شود
 (باین کیفیت خوانده شد)
 اصلاح ماده واحده - آقای میرزا فضل الله خان دهش در موقع اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در اصفهان در صورت تساوی شرایط حق تقدم خواهد داشت
 رئیس - آقای مهل (اجازه)
 عدل - در این لایحه يك جملاتی نوشته شده که بنده نمی دانم برای چه نوشته اند؟ نوشته :
 با شرایطی که مشارالیه از حیث استعدادهای کارخانه و تاریخی تأسیس آن و مدت روشنائی و قیمت قوه الکتریک و شرایط فنی تأسیس کارخانه و سیم کشی و نصب پایه ها و فراهم کردن لوازم چراغ و غیره تقبل نموده
 ولی اگر بطور کلی آمدم و گفتیم که ما حق تقدم را باو میدهم آنوقت در همین اجازه ای که ما باو داده ایم ممکنست صدتا پیشنهاد برسد و وزارت فوائد عامه خود او بدهد یا چند نفر دیگر بدهند
 آنوقت دولت باید تصمیم بگیرد و تا دولت تصمیم بگیرد و با آنها مذاکره کند و پیشنهاد خودش را بیاورد به مجلس این مسئله

تواند کارخانه وارد کند و کارش را اندازه کند
 در موقع دادن امتیاز هم آنوقت این آدم با تساوی شرایط باید حق تقدم داشته باشد مقصود اینست
 پس باید بطور اختصار نوشته شود که در صورت تساوی شروط حق تقدم با ایشان است و این جماعات دیگر لازم نیست
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - مقصود از این عباراتی که در اینجا نوشته شده اینست :
 چون این آدم با وزارت معارف شرایطی دارد و آن شرایط را متقبل شده است مقصود اینست که تنها شرایط عادی راداشته باشد
 خیر بلکه تمام شرایط را که دیگری اگر بخواید برای گرفتن امتیاز چراغ برق تقبل کند
 این آدم بایستی تقبل کند و به علاوه مطابق این شرایط هم که در اینجا نوشته شده باید رفتار کند بالاخره باید کارخانه چراغی داشته باشد که از هر حیث مطابق باشد با نظریات وزارت فوائد عامه
 ببیند در اینجا چه میگوید
 میگوید : تا وقتی که آقای میرزا فضل الله خان دهش روشنائی شهر اصفهان را بویله چراغ برق با شرایطی که مشارالیه از حیث استعدادهای کارخانه و تاریخی تأسیس آن و مدت روشنائی و قیمت قوه الکتریک و شرایط فنی تأسیس کارخانه و سیم کشی و نصب پایه ها و فراهم کردن لوازم چراغ و غیره تقبل نموده
 و بعد هم هر شرطی را که دیگری پیشنهاد کند اگر این آدم قبول کند آنوقت حق تقدم او داده میشود اینگونه برخلاف اینها کار کند حق تقدم داشته باشد
 بدیهی است در این صورت خسارت اگر چنانچه برخلاف این مقررات رفتار کند این حق تقدم هم متزلزل میشود و غرض اینست و این اندازه که ایشان فرمودند جای ایراد ندارد
 مغیر - این پیشنهاد را آقای عدل در شور اول هم فرمودند و در کمیسیون هم مذاکره شد بنده هم در آنوقت نظر این پیشنهاد خوب آمد ولی بعد تذکره داده شد که باین وسیله ایشان می توانند بعد از آنکه این حق تقدم گرفته شد شروع بکار کنند
 ولی اگر بطور کلی آمدم و گفتیم که ما حق تقدم را باو میدهم آنوقت در همین اجازه ای که ما باو داده ایم ممکنست صدتا پیشنهاد برسد و وزارت فوائد عامه خود او بدهد یا چند نفر دیگر بدهند
 آنوقت دولت باید تصمیم بگیرد و تا دولت تصمیم بگیرد و با آنها مذاکره کند و پیشنهاد خودش را بیاورد به مجلس این مسئله

مدت شش ماه هفت ماه طول نخواهد کشید
 بنا بر این وزارت فوائد عامه اینطور در نظر گرفته که چون این ماشینها را این شخص الان دارد و می تواند اینکار را بکند
 باینجهت این شرایط را قید کرده که وقتی این حق تقدم برای او تثبیت شد شروع بکار کند تا بعد رفتی که پیشنهاداتی رسید وزارت فوائد عامه مذاکرات خودش را با صاحبان پیشنهاد بکند و این پیشنهادات را بیاورد به مجلس
 رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد
 آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد
 پیشنهاد آقای میرزا فضل الله خان نظامی (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهادی نمایم که در آخر ماده اضافه شود :
 در صورت عدم قبول مشارالیه امتیاز بفررو گذار و برای میرزا فضل الله خان حق دعوی و اعتراض باقی نخواهد بود
 نظامی - این ماده اجازه میدهد با آقا میرزا فضل الله خان که در اصفهان چراغ برق تأسیس کند
 این شخص لابد برای منافع خودش يك کارخانه هائی وارد میکنند . فردا آمد و مشغول کار شد و يك مغارچی هم متحمل شد و چراغ برق در اصفهان دایر کرد و اشخاص دیگری با از نقطه نظر رقابت با مصلحت و منافع شخصی خود يك پیشنهادی بدولت تقدیم کردند که میرزا فضل الله خان دهش نتوانست تحمل آن پیشنهاد را بکند دولت ناچار بنیر واکگذار خواهد کرد .
 بدیهی است در این صورت خسارت عده متوجه میرزا فضل الله خان خواهد شد و راه دعوی هم باز میشود برای او که ادعای خسارت کند
 بنده این پیشنهاد را برای این تقدیم کردم که اگر در آتی بفررو گذار شد حق دعوی هم از او ساقط شود .
 رئیس - عقیده آقای مغیر چیست ؟
 رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند
 (عده کمی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . این ماده با اصلاحاتی که شده است بضمیمه دو تبصره قرائت میشود و رأی گرفته میشود
 (اینطور خوانده شد)
 ماده واحده - تا وقتی که آقا میرزا فضل الله خان دهش روشنائی شهر و حومه اصفهان را بوسیله چراغ برق با شرایطی که مشارالیه از حیث استعدادهای کارخانه و

تاریخی تأسیس آن و مدت روشنائی و قیمت قوه الکتریک و شرایط فنی تأسیس کارخانه و سیم کشی و نصب پایه ها و فراهم کردن لوازم چراغ و غیره تقبل نموده تصدی نمایم در موقع اعلان برای اعطای امتیاز انحصاری تأسیس چراغ برق در شهر و حومه اصفهان در صورت تساوی شرایط حق تقدم بامیرزا فضل الله خان مزبور خواهد بود
 تبصره ۱ - مدت حق تقدم آقا میرزا فضل الله خان دهش بیست سال خواهد بود .
 تبصره ۲ - حق تقدم قابل انتقال به خارج نخواهد بود در صورت انتقال این حق باطل است .
 رئیس - رأی گرفته میشود با ماده واحده با دو تبصره بطوری که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ماده واحده و راجع بقانون استخدام قضات مطرح است
 افسر - بنده تقاضا کرده بودم قانون راجع بانفای باج راه ها جزاء دستور شود .
 رئیس - تازه رایرتش رسیده است خواهش میکنم قبلاً اطلاع پیدا کنید که رایرتش حاضر شده است یا نه آنوقت بفرمائید
 افسر - سوال می کنم . بفرمائید مطلع میشوم
 (ماده واحده مزبوره شرح ذیل قرائت شد)
 ماده واحده - ماده چهل و دو قانون استخدام کشوری نسبت بقانون استخدام حکام معاکم و صاحب منصبان یار که نیز باید رعایت شود
 رئیس - در این ماده واحده بطور عادی باید شور شود . آقای طهرانی (اجازه)
 طهرانی - موافقم .
 رئیس - آقای رهنما
 رهنما - عرضی ندارم
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 آقاسید یعقوب - موافقم
 رئیس - مخالفی ندارم ؟
 یاسانی - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمائید
 یاسانی - مخالفت بنده راجع باین نکته است که در ماده واحده نوشته شده (و صاحب منصبان یار که)
 چون صاحب منصبان یار که مدعی العموم ها و و کلای عمومی جزء مستخدمین اداری هستند و جزء قضات نیستند لهذا قانون استخدام کشوری شامل آنها میشود . در این صورت دیگر این قید در اینجا بقیه بنده زیاد است و گمان میکنم جای تیرید هم نباشد .
 معاون وزارت عدلیه - قانون استخدام

قضات عنوانش « قانون استخدام قضات و صاحب منصبان یار که » است .
 پس صاحب منصبان یار که مشمول قانون استخدام نیستند است که آنها جنبه اداری دارند ولی مشمول قانون استخدام کشوری نیستند آنها مشمول قانون قضات هستند بنا بر این لازم است این قید در اینجا باشد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - لایحه که راجع باین ماده واحده از طرف وزارت عدلیه تقدیم مجلس شده است کتباً در آنجا تقاضای فوریت شده است ولی در موقع تقدیم لایحه به مجلس اظهاری نشده مقدمه لایحه هم خوانده نشده است .
 رئیس - رأی گرفته میشود با ماده واحده بنا بر این امروز نمی شود در آن رای گرفت زیرا ماده ۷۴ نظامنامه صریح است (ماده ۷۴ اینطور خوانده شد)
 ماده ۷۴ - در موقعی که لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد می شود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آن را تصدیق نماید .
 رئیس - این ماده مورد عمل واقع نشده و غفلت شده است و بکسیسیون از جاع شده و تصور میکنم حالا مورد نداشته باشد والا مستلزم این است که سه چهارماده بعد از این ماده هم که خوانده شد همه بلا اثر باشد . آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - این ماده که قرائت شد شامل این معنی نیست که بعد از تقدیم لایحه که از طرف بکسیفر داده میشود فوراً تذکره داده شود که بفروری رسیدگی شود بنا بر این اگر در رتبه باشد این تصور میکنم مانعی نخواهد داشت که بفروری تصویب شود
 رئیس - ماده که به عرض آقایان رسید صریح است که در موقعی که از طرف دولت لایحه تقدیم می شود باید تقاضای فوریت شود .
 بنا بر این رأی گرفته می شود بشور ثانی این ماده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . خبر دیگر که بسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری راجع بر رئیس محکمه تجارت قرائت می شود
 (اینطور قرائت شد)
 ماده واحده « عبارت رئیس محکمه تجارت » از مرتبه چهارماده ۷ قانون استخدام حکام معاکم حذف می شود و رتبه رئیس محکمه تجارت در صورتی که محکمه مزبوره درجه اول باشد رتبه شش و در صورتی که درجه دوم باشد رتبه هودر صورتی که درجه سوم باشد رتبه چهار خواهد بود .

رئیس - يك پیشنهادی هم از طرف آقای طهرانی راجع به ماده واحده که قبلاً مطرح بود رسید آن هم بکسیسیون ارسال میشود آقای طهرانی راجع باین موضوعی که فعلاً مطرح است فرمایشی دارید ؟
 طهرانی - بلی
 رئیس - بفرمائید
 طهرانی - قاضی محکمه تجارت رتبه باقاضی محکمه ابتدائی هم رتبه نمیتواند باشد و رئیس محکمه تجارت با رئیس کل ابتدائی اینها در عرض هم دیگر واقع نمی شوند برای اینکه قاضی محکمه تجارت فقط همان تخصص تجارتی را دارد .
 اگر چه باید مراتب حقوقی را هم کامل باشد لکن رئیس کل معاکم ابتدائی نسبت بر رئیس محکمه تجارت حکومت دارد یعنی ریاست دارد . مرتبه ریاست ابتدائی چه رتبه است رئیس محکمه تجارت در عرض آن رتبه نمیتواند واقع شود .
 رئیس محکمه تجارت باید در رئیس کل معاکم ابتدائی باشد .
 بنا بر این اگر رئیس محکمه ابتدائی درجه هفت دارد این میتواند درجه شش را داشته باشد اگر درجه شش را دارد رئیس محکمه تجارت باید درجه پنج را داشته باشد .
 به علاوه این مسئله بنظر بنده برخلاف انتظامات اداریست چرا که برای اینکه رئیس کل محکمه ابتدائی باید ناظر باشد بتمام محاکم حقوق و بتمام ادارات قضائی از معاکم حقوقی و معاکم تجارتی و معاکم جنبه پس بنا بر این اگر در رتبه هم باشد بنظر بنده صحیح نمی آید و انتظام اداری محفوظ نمی ماند .
 معاون وزارت عدلیه بنده خیلی متأسفم که در مسائل راجعه به عدلیه که همیشه با آقای طهرانی هم عقیده بودم در اینجا نمیتوانم هم عقیده باشم زیرا محکمه تجارت يك قضی نیست که رئیس محکمه ابتدائی باو ریاست داشته باشد .
 چنانکه در قانون تشکیلات هم این نکته منظور شده .
 بلی محکمه جنبه چون جزء محکمه ابتدائی است و يك شعبه از معاکم ابتدائی است این نظر در مورد آن صحیح است ولی نسبت به محکمه تجارت چون يك محکمه خاصی است که برای تجارت تشکیب میشود . لذا این اشکال آقا وارد نمی شود بلی اگر یکی از شعب محکمه ابتدائی برای کارهای تجارتی تأسیس شده باشد آنوقت حق با آقای طهرانی است ولی چون برای معاکم تجارت تخصصی هست از اینجهت این اشکال ایشان را بنده وارد نمی دانم .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - عرض ندارم
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب
 آقاسید یعقوب - موافقم
 رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - بنده برای توضیح دلائل خودم لازم میدانم يك سابقه را بعنوان مقدمه به عرض مجلس برسانم مشبهه رتبه ریاست محکمه تجارت از مدت مدیدی است شاید یکسال و نیم دوسال است که مورد مذاکره بوده در این مدت شکایاتی هم شده بود از طرف رئیس سابق که خوب است همانطور که در اصول معاکمات تجارتی رتبه برای رئیس محکمه تجارت معین شده است که مساوی با رتبه رئیس شعبه ابتدائی است همان رتبه در باره اش تصویب شود .
 نظر بشکلاتی که از حیث قانون استخدام قضات و قانون استخدام کشوری موجود بود برای وزارت عدلیه مشکل بود که این مسئله را عملی کند ولی وعده داده شده بود که در آتی يك اصلاحاتی راجعه بقانون استخدام قضات بعمل آید اگر چه بنظر بنده این مسئله اشکالی نداشت ولی اخیراً در کابینه سابق يك عمل و موجباتی برای تغییر رئیس محکمه تجارت برخلاف قانون اساسی فراهم شده است که آن عمل و موجبات را بنده بطور صراحت نمی خواهم توضیح کنم ولی اجمالا عرض میکنم که مسئله مربوط بود آن دقائرت و بیست هزار تومان مال مردم را برده بودند
 چون از طرف رئیس سابق این اشخاص تعقیب شده بودند در کمیسیون سابق یعنی در موقعی که اشخاص متهم تحصیل اقتدار کردند نتوانستند وسائل تغییر اقرار فراهم بیاورند بلاخره برخلاف قانون اساسی و برخلاف قانون استخدام و بوسیله يك موجباتی که بهتر این است گفته شود (کلاه سازی) او را تغییر دادند .
 این شخص هم رجوع ببدیوان هالی تمیز کرد و آقای وزیر عدلیه حاضر هم در نادای امر که معاملات کردند تصدیق کردند و موافقت کردند که اینکار کار غلطی بوده است که واقع شده است .
 باین علت تصمیم کردند که احقاق حق بکنند ولی چون هر کس در این مملکت مواجه باین مشکلاتی میشود علت ندارد که بگوئیم وزیر عدلیه فعلی نمیتواند بشود و بالاخره عواملی که در خارج در کار بودند برای حفظ موقعیت آن اشخاص که در این خلاف قانون شرکت داشتند و ادار کردند

که موجب تدرین این لایحه فراهم شود.

برای اینکه این شخص مراجعه کرده بود بیوان تمیز در نتیجه مذاکرانی که از نظر اصول فنی و تخصصی من غیر رسم با اعضا تمیز کردیم معلوم شد که اینکار بی موقع شده است و حکم هم بجهت این شخص صادر خواهد شد.

این جمله را هم عرض کنم که بنده در این مطلب که عرض میکنم هیچ نظر خصوصی ندارم حتی رئیس هم که فعلاً در محکمه تجارت است بنده کمال خصوصیت را با او دارم ولی بالاخره باید این را فکر کرد که استقلال قوه قضائیه با آنچه اراده اشخاص آنهم اشخاصی که متهم هستند واقع نشود.

بالاخره افرادی که نسبت با آنها خواسته اند انجام وظیفه کنند دچار مضیقه و سختی شوند و باید با این فکر مقاومت و استقامت کرد.

یکی از خلاف کاریهائیکه سابقاً شده است و خیلی جالب تأسف است بازمین باب مقدمه عرض می کنم مسئله عزل فاضل خلخالی مستشار دیوان تمیز است که آنهم در تحت همین قبیل تأثیرات واقع شده است.

یک قاضی که بموجب قانون اساسی مستقل است آنهم قاضی که هزار نفر جوان ایرانی در سایه تربیت اوصاحب معلومات شده اند و حقیقه آدم پاک دامنی است او را هم تحت همین قبیل تأثیرات برداشته اند و این لایحه مخصوصاً منشاء مأخذش این است.

در صورتیکه دوسه سال است وزارت عدلیه متوجه باین مسئله بوده از سابق هم شکایت شده و البته وزارت عدلیه قابل توجه ندانسته است.

علی ایحال بنده عقیده ام این است که مالاقل باید این عقیده را داشته باشیم که اگر یک افرادی در حین انجام وظیفه صادقانه میخوانند خدمتی بکنند بدون اینکه قصد غرضی داشته باشند و مصارف شدند باجرائمی که دیگران مرتکب شده اند و نتیجه الزام و اجبار قانونی مجبور بوده اند آن اشخاص را تعقیب کنند اینها دیگر نیایستی دچار یک مجازات هائی که زندگانی و حیات آنها را تهدید میکند بشوند.

این مقدمه بود که عرض کردم و اما از نقطه نظر قانون و سوابق آن در مملکت البته هر قانونی را مادامیکه ضرری از ش مترتب نشود باید صحیح و مرتب شناخت و همین محکمه تجارت در وقتی که قانون تشکیلات عدلیه را نوشته اند رتبه رئیس آن مساوی بوده است با رتبه رئیس شعبه ابتدائی و این سابقه اولاً تا امروز هیچ ضرری بتشکیلات عدلیه و تشکیلات محکمه تجارت و مؤسسات فرعی آن متوجه نکرده

است و بلکه قاعده اینطور اقتضا میکند بواسطه اینکه تفاوت در امور حقوقی یک معاومات مبسوط تری لازم دارد.

بالاخره برای اینکه مرجعیتش از حیث عموم بیشتر است خودش میتواند یک فلسفه باشد که بگوئیم رئیس محکمه ابتدائی باید یک درجه بالاتر از رئیس محکمه تجارت باشد.

ثانیاً قیاس بین این دو اساساً غلط است. این یک محکمه اختصاصی است آن یک محکمه عمومی و آن دلائلی که رئیس محکمه ابتدائی رتبه شش با هفت را دارد بهمان دلیل هم رئیس محکمه تجارت باید داشته باشد این را نمی توان موجه دانست بجهت اینکه این دو محکمه را نمی توان بیک طرف قیاس قرار داد و بر فرض هم که طرف مقایسه باشد نظر بسوابق و عللی که در کابینه های سابق مخصوصاً در زمان وزارت عدلیه حضرت آقای مشیرالدوله تشخیص داده شده بود مصالحت همین است که رئیس محکمه تجارت یک رتبه پائین تر از رئیس محکمه ابتدائی باشد و این سابقه هم هیچ ضرر متوجه هیچ محلی نمیکند.

ولی این لایحه از این نقطه نظر تدرین شده است که چون رئیس محکمه تجارت سابق دارای این رتبه نیست و اگر دیوان عالی تمیز این عمل خلاف قانون را که فقط برای تعقیب یک اشخاصی که پول مردم را گرفته بودند و خورده بودند واقع شده نقص کند و حکم کند که این آدم را بدون جهت برداشته اند و آن عملیات را ترتیب اثر ندهد بگویند چون بموجب قانون جدیدیکه در مجلس گذشته است ریاست محکمه تجارت بایند دارای این رتبه باشد و شما این رتبه را ندارید.

در حال سوابق این مسئله این است که عرض کردم و هیچ علل مشروع و موثر قانونی هم برای این مسئله نیست و آقایان نمایندگان محترم بالاخره باید در مقابل این جزئیات استقامت داشته باشند که برای یک قاضی که موافق اصول باید ملت و مملکت طرف دارش باشد برای همان وظیفه که انجام کرده است و گفته است چرا پول هارا گرفته اید و خورده اید و پول ارباب جمشید بطلبکارهای او داده نشده است حاضر شوند که یک چنین لایحه را تدرین نمایند باین وسیله برزند گانی و حیات او حمله کنند.

بنده اساساً مخالفم که این لایحه اصلاً در مجلس شورای ملی قابل مذاکره باشد.

وزیر عدلیه بنده هیچ منتظر نبودم که

آقای شریعت زاده در موقع طرح این لایحه داخل شوند در باب مسائل خصوصی و یک مسائل خارجی که هر یک از این اظهاراتی که فرمودند بنوبه خودش محکمه می خواهد و رسیدگی و تعقیب می خواهد و البته پس از رسیدگی در نتیجه هر کس که محکوم شد باید به مجازات خودش برسد و بعد الله قانون خواهد گذشت و هیچ محتاج نیست که دیگر آقایان وقت مجلس را یک مدتی برای اینگونه مذاکرات تلف کنند و ممکن است از مجرای خودش مراجعه بفرمایند و در نهایت دقت رسیدگی و محاکمه شود هر کس که خلاف قانون کرده است مجازات شود.

دیگر اینکه در بین اظهارات خودشان یک نسبتی هم به بنده دادند که بنده در تحت تأثیر یک عوامل خارجی (با اینکه اول خیال کرده بودم رئیس محکمه تجارت را بجای خودش برگردانم) ولی بنده عرض می کنم در تحت تأثیر هیچ عامل خارجی اینکار را نکرده و از عقیده ام هم منصرف نشده ام و بنده شاید خوب امتحان داده باشم که هیچ عوامل خارجی در من تأثیر ندارد و تأثیر هم نمی کند.

بنده اگر فرضاً بعقیده جنابعالی یک کس خلاف قانون کند (در صورتی که عقیده خود من هم اینست که هر کس مرتکب خلاف قانون بشود باید مجازات شود) هیچ علت ندارد که بنده هم مرتکب خلاف قانون بشوم.

بنده مقام قضات را در جای خودشان ثابت و لای تغییر می دانم و تا موقعی که یک محکمه هم حکمی ندهد امکان ندارد که از قلم یا دست بنده حکمی جاری شود که یک قاضی را قبل از اینکه محکوم بشود تغییر بدهند.

اما اینکه یک دلائلی اقامه فرمودند که نظریه این دلائل وزارت عدلیه مجبور شده است که این لایحه را بیاورد بمجلس برای اینکه فردا بر رئیس محکمه تجارت بگویند چون درجه تو این بوده و مجلس اینطور تصویب کرده ما نمیتوانیم تو را برگردانیم بمقام اولیه ات.

خیر بنده قول میدهم بجنابعالی که اگر این لایحه را هم تصویب فرمایند بنده این خلاف قانون را نمی کنم که آن رئیس محکمه تجارت را که در نتیجه ترفیع رتبه مقامی با داده اند ورد کرده است حالا این رئیس محکمه تجارت را که امروز سرکار است و هیچ نقصیری را هم مرتکب نشده است

و هیچ محکمه هم بر علیه او رأی نداده است معزولش کنه یک کس دیگر را جایش بگذارم.

بنده اطمینان میدهم با آقایان که این قانون روی این نظر هائی که آقای شریعت زاده فرمودند تدوین نشده است بلکه خدا شاهد است از روی نهایت احتیاج است چون باید یک قانونی که از مجلس میگذرد آنرا بموقع عمل بگذارند و در موقع عمل نواقض را متوجه بشوند و آنوقت آن نواقض را بمجلس پیشنهاد کنند و در ضمن عمل این قانون فلان نقیصه دارد و البته مجلس هم رفع میکند. این مسئله هم همینطور است.

محکمه تجارت یک محکمه قدیمی است و از روی احتیاج معلوم شده است که لازم است این پیشنهاد را به مجلس بکنند.

حالا آقایان رای نمیدهند ندمند ولی بنده اطمینان میدهم که مسائل خصوصی و شخصی ابدأ درین نبوده است بعضی از نمایندگان مذاکره اش کافی است.

یاضائی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

یاضائی - بالاخره در نتیجه مذاکرانی که شد بنده منافع این لایحه را نفهمیدم که آیا این لایحه محکمه تجارت و تشکیلات وزارت عدلیه چه منافی دارد و از نقطه نظر منافع عمومی چه فوایدی را جلب و چه مضاری را دفع می کند؟

بنا بر این خوبست آقای معاون یک توضیحاتی بدهند تا ما فلسفه این لایحه را بفهمیم.

ببینیم چه طور شده است که بعد از بیست سال تشکیلات عدلیه حالا یکمرتبه بغتة این ترتیب پیدا شده که رئیس محکمه تجارت حتماً باید با رئیس کل محاکم ابتدائی همدرجه باشد؟ و تا کنون که رئیس محکمه تجارت در تحت ریاست محکمه ابتدائی بوده است چه محظوری داشته است؟

بعلاوه در صورتیکه این قانون بگذرد در ولایات چه میکنند؟ مثلاً در کرمانشاه چه میکنند؟

اگر دوتا رئیس همدرجه شدند و در عرض هم واقع شدند آنوقت در قسمت کارهای اداری کدام یک مسئولیت دارند بنده که نمی فهمم؟ و از این جهت است که مخالفم.

معاون وزارت عدلیه - از آقای یاضائی که فوق العاده در قسمت تجارت بدل مساعی نموده اند و زحمت کشیده اند تعجب میکنم که چه طور می فرمایند این قانون چه منافی دارد!! موجب مهم تقدیم این پیشنهاد هم این قانون

تجارتی است که نوشته شده و مطابق آن قانون یک وظائفی برای رئیس محکمه تجارت قائل شده اند.

البته برای اجرای آن قانون یک نفر شخص ورزیده و مجرب تری لازم است و اجرای قانون تجارت البته مستلزم اینست که رئیس محکمه تجارت یک نفر آدمی باشد که نسبتاً لایق باشد چنانچه تا بحال که قانون تجارت نبود هیچوقت ب فکر لایحه نیفتاده بودند و الان چیزی که باعث تقدیم این پیشنهاد شده است همان تصویب قانون تجارت است که شروع اجرای آن شده است و در موقع شروع اجرای آن اینطور بنظر آمده است که باید بدست اشخاص لایق و با رتبه بالاتری اجرا شود اما اینکه فرمودند در ولایات چه میشود در این جا درست دقت فرمودند مثلاً در مشهد اگر محکمه ابتدائی درجه دو را دارد البته مجبور نیستند که محکمه تجارت آنجا را درجه دو قرار بدهند ممکنست یک درجه پست تر قرار دهند.

اینست که این رعایت ها شده و درجات محکمه تجارت در نقاط مختلفه از نقطه نظر اهمیت محل معین و تشکیل خواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای می گیریم به کفایت مذاکرات.

شریعت زاده - بنده مخالفم.

رئیس - آقای یاضائی مخالف بودند و اظهار نمودند چرا رعایت نظام نامه را نمی فرمائید؟ رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات. آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است - رای گرفته میشود بشورثانی در این لایحه آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد بقدر چند دقیقه تنفس داده می شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع نیم ساعت قبل از ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نکرده.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین - منشی - م- شهاب - منشی - ع- خطیبی